

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

خرداد سال تحصیلی ۹۶-۹۵

رشته فقه ورودی ۹۳

مهر مدرسه

ساعت برگزاری: ۹ صبح	نمره: ۱۳	محل پانگولن: ۷۰ دقیقه
ساعت برگزاری: ۹ صبح	نمره: ۲۰	محل پانگولن: ۸۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

کد آزمون:	۳۹۵۲/۰۱
تاریخ:	۹۶/۳/۱۱
عنوان:	فقه ۲
کتاب:	شرح لمعه
محدود:	طلاق، خلع، مبارات، ظهار، لعان، ایلاء

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرس علیی: شهرستان: استان:

۱. کدام مورد از اقسام طلاق بائن است؟

الف) طلاق عدی

ب) طلاق خلع و مبارات

ج) طلاق رجعی

د) طلاق زن مدخوله

۲. اگر مرد مریض همسر خود را طلاق دهد.....

الف) زن و مرد، بر خلاف طلاق مرد غیر مریض، در ایام عده رجعی از یکدیگر ارث نمیبرند.

ب) زن و مرد در ایام عده رجعی از یکدیگر ارث میبرند.

ج) در طلاق بائن و رجعی، زن تا گذشتن یک سال از زمان طلاق، از شوهر خود ارث میبرد.

د) گزینه ب و ج صحیح است.

۳. کدام عبارت صحیح است؟

الف) زنی که طلاق بائن داده شده ولو باردار باشد وجوب نفقه ندارد.

ب) زنی که طلاق بائن داده شده اگر باردار باشد طبق قول مشهور وجوب نفقه ندارد.

ج) زنی که طلاق بائن داده شده اگر باردار باشد وجوب نفقه دارد و طبق قول مشهور این نفقه برای بچه است.

د) زنی که طلاق بائن داده شده اگر باردار باشد وجوب نفقه دارد و طبق قول مشهور این نفقه برای زن است.

* دقت شود قول مشهور جواب صحیح است نه قول اشهر

۴. در ایلاء.....

الف) شرط است که با لفظ جلاله «الله» منعقد شود و نیت قسم به تنهایی کافی نیست.

ب) کافی است که نیت قسم خوردن وجود داشته باشد ولو لفظ ایلاء، تلفظ نشود.

ج) به کاربردن هر یک از اسماء غالبی خداوند کفایت می کند.

د) مهم بکار بردن یکی از اسماء خداوند است اعم از غالبی و غیر غالبی.

۵. و تحتاج المطلقة مطلقا مع کمال الطلقات الثلاث إلى المحلل، للنص، و الإجماع و مخالفة من سبق ذکره فی بعض موارد غیر قاذح فیہ بوجه.

و لا یلزم الطلاق بالشک فیہ لتندفع الشبهة الناشئة من احتمال وقوعه، بل تبقى علی حکم الزوجية، لأصالة عدمه، و بقاء النکاح. لکن لا یخفی الورع فی ذلک فیراجع إن کان الشک فی طلاق رجعی، لیكون علی یقین من الحل، أو فی البائن بدون ثلاث، جدد النکاح، أو بثلاث أمسک عنها و طلقها ثلاثا لتحل لغيره یقینا، و کذا یبنی علی الأقل لو شک فی عدده، و الورع الأكثر.

الف) متن را ترجمه روان کنید.

زنی که طلاق داده شده (به هر نوع طلاق) در صورتی که سه طلاقش کامل شود نیاز به محلل دارد. دلیل ما بر این مطلب نص و اجماع است. و مخالفت کسانی که قبلا بیانشان گذشت- که در بعض موارد مخالف بودند- ضرری به این اجماع نمی زند. (قبلا بیان شد که عید... بن بکیر در طلاق سنی به معنای آخص محلل را لازم نمی داند، اما عید فتحی است لذا مخالفت او ضرری به این اجماع نمی زند).

در مواقع شک در طلاق، طلاق واجب نیست. یعنی در جایی که فرد شک کرد در اصل وقوع طلاق لازم نیست برای دفع شبهه ناشی از احتمال وقوع طلاق، طلاق دهد. بلکه در چنین مواردی حکم زوجیت باقی است بخاطر اصل عدم طلاق (که در موارد شک جاری می شود) و بخاطر استحباب بقاء نکاح. البته بهتر است که احتیاط کند، پس اگر شک دارد طلاق رجعی داده یا نه، رجوع کند تا یقین داشته باشد که زن به او حلال است. همینطور در طلاق بائن (غیر طلاق سوم) اگر شک کرد طلاق داده یا نه، دوباره صیغه بخواند، اما در طلاق سوم از او کناره گیری کند و طلاقش دهد تا برای دیگران حلال قطعی باشد. در تعداد دفعات طلاق اگر شک کرد بنا را بر کمتر می گذارد، هر چند احتیاط آن است که بنا را بر بیشتر بگذارد.

ب) عبارات مشخص شده را تبیین کنید. (منظور از مطلقا و اصالة عدمه و بقاء النکاح)

مطلقاً: هر نوع طلاقى که باشد اعم از آن که بائن باشد یا رجعى. در رجعى هم عدی باشد یا سنی بالمعنى الاخص

أصلالةً عمدته: یعنی جایی که شک داریم طلاق واقع شده یا نه، اصل این است که واقع نشده است. اصل عدم طلاق که بازگشتش به استصحاب عدم طلاق است.

بقاء نکاح: تا پیش از این یقین به بقاء نکاح داشتیم الان شک داریم، استصحاب می‌کنیم همان بقاء نکاح را.

۶. فرق بین جعالة بر طلاق و بذل عوض متبرعا را بنویسید.

مقصود در جعالة و بذل تبرعى فرق دارد: در بذل تبرعى هدف این است که جدایی را که از طرف زوج واقع شده به صورت خلع قرار دهد تا احکام خاص خلع بر آن

مترتب شود (احکام خاص خلع: یعنی طلاق بائن باشد و تا زمانی که باذل رجوع در بذلش نکرده باشد مرد نمی‌تواند رجوع به همسرش کند)

اما جعالة در هر عمل حلالی که غرض صحیح عقلایی به آن تعلق گیرد صحیح است. در جعالة در طلاق حرف جاعل این است که طلاق واقع شود یعنی اجنبی مالیرا

قرار می‌دهد که مرد زنش را طلاق دهد. نه اینکه چیزی بوده باشد و فرد بخواهد آن را به صورت خاصی قرار دهد.

۷. و لا اعتبار بغير لفظ الظهر من أجزاء البدن كقوله: أنت على كبطن أمي، أو يدها، أو رجلها، أو فرجها، لأصالة الإباحة، و عدم التحريم

بشيء من الأقوال، إلا ما أخرجہ الدليل، و لدلالة الآية، و الرواية على الظهر، و لأنه مشتق منه فلا يصدق بدونه.

الف) محل بحث را بنویسید. (فقط محل بحث)

در ظاهر که مرد می‌گوید «أنت كظهر امی» آیا می‌تواند به جای «ظهر» از «بطن»، «رجل» یا «فرج» استفاده کند و بگوید «أنت كبطن امی» یا ... ؟

ب) در متن، به چند دلیل برای اثبات مدعی تمسک شده است؟ (فقط تعداد دلیل خواسته شده است)

أصالة الإباحة، عدم التحريم بشيء من الأقوال الا ما خرج بالدليل، لدلالة الآية، لدلالة الرواية، لأنه مشتق منه فلا يصدق بدونه = ۵ دلیل

ج) عبارت مشخص شده را تبیین کنید.

«ظهار» از ظهر مشتق شده و بر غیر «ظهر» (پشت)، صدق نمی‌کند.

۸. و مدة الإيلاء من حين الترافع كالظهار، لأن ضرب المدة إلى الحاكم فلا يحكم بها قبلها و لأنه حقها فيتوقف على مطالبتها، و لأصالة

عدم التسلط على الزوج بحبس و غيره قبل تحقق السبب.

و..... من حين الإيلاء عملاً بظاهر الآية حيث رتب التبرص عليه من غير تعرض للمرافعة، و كذا الأخبار. و قد تقدم في الخبر السابق ما

يدل عليه. و في حسنة بريد عن الصادق عليه السلام قال: " لا يكون الإيلاء ما لم يمض أربعة أشهر، فإذا مضت وقف، فإما أن يفىء، و إما

أن يعزم على الطلاق " فعلى هذا لو لم ترافعه حتى انقضت المدة أمره بأحد الأمرين منجزاً.

الف) الفاظ مشخص شده را اعرابگذاری کنید.

ضَرَبَ المَدَّةَ - حَقُّهَا - لَمْ يُمْضِ - أَمْرَهُ

ب) قول مشهور و ادله آنرا بنویسید.

مدت ایلاء از هنگامی است که نزد حاکم بروند، زیرا مدت را حاکم تبیین می‌کند و قبل از آنکه به او مراجعه شود که حکمی نمی‌تواند بکند. دلیل دوم آنکه این حق زن

است و باید از سوی او مطالبه شود. تا قبل از رجوع به حاکم مطالبه‌ای صورت نگرفته است. دلیل سوم آنکه حاکم سلطه‌ای بر زوج ندارد و نمی‌تواند او را محکوم به

حبس کند مگر اینکه سببش فراهم شود. و زمانی می‌توانیم یقین کنیم به تحقق سبب که ۴ ماه از زمان مرافعه به حکم بگذرد.

۹. وقتی زن و مرد همدیگر را لعان کنند اجمالاً چهار حکم مترتب می‌شود، بنویسید.

الف. حد قذف از مرد و حد زنا از زن ساقط می‌شود.

ب. زوجیت و ارث این دو باطل می‌شود.

ج. اگر مرد لعان کند فرزند از او نفی می‌شود. البته از زن نفی نمی‌شود لذا ولد الزنا خوانده نمی‌شود.

د. حرمت ابد بین زوج و زوجه ایجاد می‌شود.

*سوالات ذیل مختص طلاب غیر حضوری مکاتبه ای است:

۱. عرف الاصطلاحات: طلاق السنی بالمعنى الاخص، حداد

طلاق سنی بالمعنى الاخص، جایی که مرد زن را با شرایط کامل طلاق دهد او را رها کند تا عده سپری شود، پس از پایان عده او را عقد

مجدد کند.

حداد: ترک کردن زینت در ایام عده، هر آنچه زینت محسوب می‌شود را زن باید ترک کند. زینت در لباس و آرایش مثل بوی خوش، حنا،

سر مه کشیدن، رنگ کردن ابرو، استفاده از سفید کننده ...

۲. و هو أى الطلاق السنی بالمعنى الأعم ثلاثة أقسام: بائن و رجعى..... و الثالث طلاق العدة و إطلاق العدی عليه من حيث الرجوع

فيه فى العدة و جعله قسيما للأولين يقتضى مغايرته لهما مع أنه أخص من الثانى فإنه من جملة أفرادها، بل أظهرها حيث رجع فى العدة،

فلو جعله قسمين ثم قسم الرجعى إليه و إلى غيره كان أجود.

طلاق عدی را تعریف کنید و اشکال مطرح شده را (که مشخص شده) تبیین کنید.

طلاق عدی طلاق است که مرد زن را با شرایط طلاق دهد اما در عده به او رجوع کند. اشکال این است که رابطه طلاق رجعی و عدی عموم و خصوص مطلق است. یعنی طلاق رجعی، عدی را هم در بر می‌گیرد. بلکه مصداق بارز طلاق رجعی همان مواردی است که در عده رجوع می‌کند، لذا شایسته نیست که عدی را قسم رجعی قرار دهیم، بلکه بهتر است طلاق عدی را دو قسم کنیم؛ بائن و رجعی رجعی را هم دو قسم کنیم؛ عدی و سنی به معنای اخص.

۲

۳. تفاوت طلاق خلع و مبارات را بنویسید.

در خلع کراهت فقط از طرف زن است، اما در مبارات کراهت از سوی زوجین است. فدیهای که زن در مبارات می‌دهد نمی‌تواند از مهر بیشتر باشد چون مرد هم از زن اکراه دارد اما در خلع این محدودیت نیست.

بنا بر قول مشهور در مبارات بعد از صیغه مبارات، صیغه طلاق هم باید خوانده شود. اما در خلع اختلاف نظر است.

در مبارات، صیغه منحصر در «بارأتک علی کذا» نیست بلکه از الفاظ کنایه‌ای که دلالت بر این مطلب هم بکند می‌توان استفاده کرد. چون جدایی که قرار است بین زوجین ایجاد شود، با صیغه طلاق محقق می‌شود. اما در خلع طبق قولی که صیغه طلاق را لازم نمی‌داند باید از الفاظ صریح در خلع استفاده کرد چون قرار است جدایی فقط با این لفظ ایجاد شود.

*سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۲۱۴۴۲۱ اداره کل سنجش و پذیرش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.

«ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری است.»